Submit Date: 27 April 2026
Revise Date: 14 September 2026
Accept Date: 21 September 2026
Initial Publish: 04 November 2026
Final Publish: 20 February 2027

The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law

© 2026 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Functions of Punishments and Lenient Responses from the Perspective of Criminal Policy in Light of Iranian and English Law

Mansoureh Poorghasem[1], Mehdi Jalilian[1]*, Mohsen Shekarchizadeh[1]

1. Department of Criminal Law and Criminology, Na.C., Islamic Azad University, Najafabad, Iran

* Corresponding Author's Email: mehdi_jalilian@iau.ac.ir

ABSTRACT

The three principal objectives generally pursued by lenient responses are, first, to provide satisfaction and redress to the victim; second, to foster in the offender a sense of having been treated fairly; and third, to promote social justice by reducing the prison population and the costs associated with crime. One of the mechanisms for improving the administration of justice within the criminal justice system is the use of lenient responses that move away from the imposition of repressive punishments toward sanctions that are compatible with the dignity and individual characteristics of the offender. The present study employs a descriptive-analytical method. Data were collected through library and documentary research, including the use of websites and print and electronic journals, while note-taking was employed as the principal data-collection instrument. Developments in the criminal policies of Iran and England concerning lenient responses demonstrate a shift from a deterrence-oriented criminal justice system toward a system grounded in restorative justice and preventive and responsive policies. These developments have arisen from social, cultural, and legal transformations in both countries and seek to reduce crime rates, rehabilitate offenders, and protect victims within a comprehensive and participatory framework. In recent decades, criminal policy in both countries has shifted from purely reactive approaches toward active prevention and has increasingly examined the social, cultural, and economic roots of crime. Lenient responses to crime, which are grounded in restorative justice and preventive policies, emphasize the rehabilitation of offenders and reparation for victims rather than severe punishment and therefore play an important role in the criminal justice process and the prevention of crime.

Keywords: *Criminal Policy, Lenient Responses, Iranian Law, English Law, Criminal Justice*

How to cite: Poorghasem, M., Jalilian, M., & Shekarchizadeh, M. (2026). Functions of Punishments and Lenient Responses from the Perspective of Criminal Policy in Light of Iranian and English Law. *The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law*, *4*(6), 1-19.

تاریخ ارسال: ۷ اردیبهشت ۱۴۰۵
تاریخ بازنگری: ۲۳ شهریور ۱۴۰۵
تاریخ پذیرش: ۳۰ شهریور ۱۴۰۵
تاریخ چاپ اولیه: ۱۳ آبان ۱۴۰۵
تاریخ چاپ نهایی: ۱ اسفند ۱۴۰۵

دانشنامه فقه و حقوق تطبیقی

کارکردهای مجازات‌ها و پاسخ‌های ارفاقی از دیدگاه سیاست جنایی در پرتو حقوق ایران و انگلستان

منصوره پورقاسم[۱]، مهدی جلیلیان[۱*]، محسن شکرچی زاده[۱]

۱. گروه حقوق جزا وجرم شناسی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران
* پست الکترونیک نویسنده مسئول: mehdi_jalilian@iau.ac.ir

چکیده

سه هدف عمده مدنظر پاسخ‌های ارفاق‌آمیز اغلب این موارد است که نخست، تشفی خاطر بزه‌دیده و دوم، ایجاد احساس رسیدگی عادلانه در بزهکار و سوم، برقراری عدالت اجتماعی با کاهش جمعیت کیفری و کاهش هزینه‌های جرم است و یکی از موارد برای بهبود بخشیدن به اجرای عدالت در نظام عدالت کیفری، پاسخ‌های ارفاق‌آمیزی است که از اعمال مجازات سرکوبگرانه به سمت اعمال مجازات‌هایی که با شأن و شخصیت مرتکب همخوانی دارد، می‌رود. تحقیق فراروی با روش توصیفی_تحلیلی می‌باشد و در جمع¬آوری اطلاعات از روش کتابخانه‌ای و اسنادی، و بهره‌گیری از سایت‌ها، مجلات چاپی و الکترونیکی و در خصوص ابزار مورد استفاده نیز، از فیش‌برداری استفاده شده است. تحولات سیاست‌های جنایی ایران و انگلستان در زمینه پاسخ‌های ارفاق‌آمیز، نشان‌دهنده تغییر رویکرد از نظام عدالت کیفری ارعابی به سمت نظامی بر مبنای عدالت ترمیمی و سیاست‌های پیشگیرانه و پاسخگو است. این تغییرات برخاسته از تحول‌های اجتماعی، فرهنگی و حقوقی در هر دو کشور بوده که هدف آن کاهش نرخ جرم، اصلاح مجرمین و حمایت از بزه‌دیدگان در یک چارچوب جامع و مشارکتی است. در دهه‌های اخیر، سیاست جنایی در این دو کشور از واکنش‌های صرف به سمت پیشگیری فعال حرکت کرده و ریشه‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی جرم را بررسی می‌کند. پاسخ‌های ارفاقی به جرم، که براساس عدالت ترمیمی و سیاست‌های پیشگیرانه است، بجای تنبیه سختگیرانه، به اصلاح مجرمین و جبران خسارت بزه‌دیدگان می‌پردازد و نقش مهمی در فرایند عدالت کیفری و پیشگیری از جرم دارد.

کلیدواژگان: *سیاست جنایی، پاسخ‌های ارفاقی، حقوق ایران، حقوق انگلستان، عدالت کیفری*

© ۱۴۰۵ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به‌صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

نحوه استناددهی: پورقاسم، منصوره.، جلیلیان، مهدی.، و شکرچی زاده، محسن. (۱۴۰۵). کارکردهای مجازات‌ها و پاسخ‌های ارفاقی از دیدگاه سیاست جنایی در پرتو حقوق ایران و انگلستان. *دانشنامه فقه و حقوق تطبیقی*، ۴ (۶)، ۱۹-۱.

مقدمه

سیاست جنایی رشته مطالعاتی است که برحسب داده‌ها و یافته‌های فلسفی و علمی، از جمله یافته‌های جرم‌شناسی و با توجه به اوضاع و احوال تاریخی، سعی در تدوین و ایجاد آموزه‌های سرکوبگر و پیشگیرانه دارد که در عمل نسبت به بزهکاری قابل اعمال باشد (Najafi Abrandabadi, 2024).

سیاست جنایی در ابتدا به معنای محدود، تدابیر کیفری و سرکوب برای پیشگیری از جرم بود، اما اکنون به معنای گسترده‌تری، شامل اقدامات متنوع دولت و جامعه برای پیشگیری، حمایت از بزه‌دیدگان، مقابله با جرم و ترمیم آثار آن (Najafi Abrandabadi, 2022). این سیاست تنها به اقدامات کیفری محدود نمی‌شود و سایر ابعاد تدابیر اجتماعی نیز شامل می‌شود (Azimzadeh Ardebili & Sheikh Eslami, 2024).

«امروزه در اثر تغییر رویکردهای حوزه فلسفه مجازات‌ها و تحول مبانی نظری، نظام‌های حقوقی دچار تغییر و تحولات عمده‌ای گردیده‌اند. رویکرد اغلب نظام‌های حقوقی دنیا نسبت به مجرمین جنبه اصلاحی دارد که با تأکید بر این امر، وجود نهادهای ارفاقی پذیرفته شده است» (Bahramand, 2017). به‌طور مثال، در نظام حقوقی انگلستان با قدمت و صلابت دیرینه‌اش، در سال‌های اخیر تغییرات اساسی در قوانین مهم کیفری‌شان، و مجازات‌های متنوعی جهت بهبود در کارکرد مجازات‌ها ایجاد شده است که این مجازات‌ها از حیث ماهیت در سه دسته طبقه‌بندی می‌شوند: محرومیت از بعضی حقوق، محدودیت در انجام بعضی امور، الزام به انجام برخی اعمال.

در نظام حقوقی انگلستان، برای تمامی جرایم مجازات شدید تعیین شده است و مجازات‌های اجتماعی به‌عنوان ضمانت اجراهای جایگزین زندان شناخته می‌شوند. نهادهای ارفاقی با هدف تناسب و فردی سازی مجازات‌ها مورد توجه قانون‌گذار قرار گرفته‌اند و برخی از آن‌ها با الهام از دفاع اجتماعی نوین به بازپروری مجرمین و بازگشت آن‌ها به جامعه می‌پردازند که معمولاً برای مجازات‌های سبک به‌کار می‌روند، اما با تصویب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری در ایران (۱۳۹۹)، دامنه شمول آن‌ها به جرایم سنگین‌تر نیز گسترش یافته است. نهادهای ارفاقی ابزارهایی در اختیار قاضی هستند که با توجه به شرایط مرتکب و اهداف مجازات، برای تناسب و فردی سازی مجازات‌ها به‌کار گرفته می‌شوند (Najafi Abrandabadi, 2022).

برخلاف مدل‌های دولتی سیاست جنایی که پاسخ‌ها را صرفاً از سوی دولت ارائه می‌دهند، مدل‌های نهادهای غیردولتی متنوع‌تر بوده و گاهی به‌عنوان جایگزین اجتماع به‌جای دولت عمل می‌کنند. قانون‌گذار تلاش می‌کند با بهره‌گیری از نهادهای مدنی و سیاست جنایی مشارکتی، اجرای قانون را بهبود بخشد و از همه دستگاه‌ها در اصلاح بزهکار کمک بگیرد تا جامعه حفظ شود. در حقوق کیفری ایران و انگلستان نیز، رویکردشان از نظام عدالت کیفری ارعابی به سمت نظام عدالت کیفری ارفاقی و عدالت ترمیمی همراه با سیاست‌های پیشگیرانه و پاسخگو تغییر یافته است (Delmas-Marty, 2020).

از آنجا که پاسخ‌های ارفاق‌آمیز در سیاست جنایی ایران موضوعی بدیع می‌باشد، کمتر نوشته‌ای وجود دارد که با دید نقادانه به مطالعه در این زمینه بپردازد و از سوی دیگر، هیچ تحقیقی با موضوع تصمیم‌های ارفاق‌آمیز در سیاست جنایی ایران صورت نگرفته است.

جلوه‌های عدالت ترمیمی شامل پذیرش پاسخ‌هایی است که به‌جای اعمال مجازات سرکوبگر، به سمت سیاست جنایی مشارکتی حرکت می‌کند. این رویکرد با شرکت دادن افراد متأثر در دعوا در فرایند برقراری صلح و سازش، تلاش می‌کند تا از یک‌سو خاطر بزه‌دیده را تسکین دهد و از سوی دیگر، مجازاتی متناسب با شأن و شخصیت بزهکار تعیین کند. در نهایت، این اصلاح و ارفاق به صیانت از جامعه منجر می‌شود (Rahimi, 2023) و با توجه به

تحولات نظری در فلسفه مجازات‌ها و تغییرات اساسی در مبانی آن‌ها، نظام‌های حقوقی دچار تغییرات عمده‌ای شده‌اند که براساس فلسفه‌های جدید جزایی شکل گرفته، بر جنبه اصلاحی و بازپرورانه مجازات‌ها تأکید دارند. در گذشته، مجازات‌ها بیشتر جنبه تنبیهی داشتند، اما با پیشرفت‌های علمی و اجتماعی، رویکردها به سمت اصلاح و بازسازی مجرمین تغییر کرده است (Beccaria, 2006).

مجازات‌ها باید متناسب با شخصیت و ویژگی‌های فردی مجرمین تنظیم شوند تا به نحو مؤثری از آن‌ها بازپروری شود و از آسیب به جامعه جلوگیری گردد. به همین دلیل، نهادهای ارفاقی به‌عنوان ابزارهایی برای کاهش آثار منفی مجازات‌ها و اصلاح رفتار مجرمین در بسیاری از نظام‌های حقوقی پذیرفته شده‌اند (Beccaria, 2006). اکنون، بیشتر نظام‌های حقوقی، از جمله ایران و انگلستان، به دنبال استفاده از نهادهای ارفاقی هستند که به فردی سازی مجازات‌ها و تطبیق آن‌ها با ویژگی‌های فردی مجرمین کمک می‌کند (Najafi Abrandabadi, 2022). نهادهایی مانند تعلیق مجازات، تعویق صدور حکم، آزادی مشروط و مراقبت‌های الکترونیکی به دادگاه‌ها این امکان را می‌دهند که به‌جای مجازات‌های سخت، از تدابیر ملایم‌تری استفاده کنند. همچنین، شرایطی مانند توبه و مرور زمان می‌تواند به کاهش فشارهای اجتماعی و روانی بر مجرمین کمک کند و در عین حال بر اهداف مجازات‌ها تأکید نماید (Rostami, 2023).

در نیمه دوم دهه نود خورشیدی، سیاست‌گذاران جنایی ایران تحت تأثیر نظریات جدید جرم‌شناسی و کیفرشناسی، به گسترش نهادهای ارفاقی توجه بیشتری نشان داده‌اند. این تحولات در راستای کاهش جمعیت کیفری و استفاده بهینه از منابع قضائی و زندانیان صورت گرفته است (Delmas-Marty, 2020) و به‌طور فزاینده‌ای مورد استفاده قرار گرفته و اقدامات اصلاحی جایگزین مجازات‌های سنگین شده‌اند. این تغییرات به بهبود کیفیت عدالت کیفری کمک کرده و شرایط زندانیان را بهبود بخشیده و همچنین هزینه‌های اجتماعی ناشی از زندانی شدن افراد را کاهش داده است.

یکی از اصول اساسی در سیستم‌های حقوق کیفری، اصل حداقل بودن مجازات‌ها است که هدف آن کاهش استفاده از کیفرهای شدید و به حداقل رساندن آن‌ها در مواجهه با جرایم است. در شرایطی که می‌توان با نهادهای ارفاقی و تدابیر جایگزین به اهداف اصلاحی و پیشگیرانه دست یافت، استفاده از کیفرهای شدید به‌عنوان آخرین گزینه در نظر گرفته می‌شود (Najafi Abrandabadi, 2022).

این اصل موجب می‌شود که در موارد خاص، حتی از مجازات‌ها صرف‌نظر شده و به‌جای آن از نهادهای ارفاقی برای دستیابی به اهداف عدالت استفاده شود.

در نتیجه، نهادهای ارفاقی در نظام قضائی ایران بیشتر مورد استفاده قرار گرفته و اقدامات اصلاحی به‌جای مجازات‌های سنگین در دستور کار قرار گرفته‌اند. این تغییرات نه‌تنها به بهبود کیفیت عدالت کیفری کمک کرده، بلکه شرایط زندانیان را بهبود بخشیده و هزینه‌های اجتماعی ناشی از زندانی شدن افراد را کاهش داده است (Rostami, 2023).

در حقوق انگلیس، سیاست جنایی بر مبنای حقوق عرف و توسعه تدریجی قوانین است و بیشتر بر بازتوانی مجرمان و نفی انتقام‌جویی تمرکز دارد. برخلاف نظام کیفری ایران که تحت تأثیر فقه اسلامی است، سیستم انگلیس اهمیت ویژه‌ای به حقوق بشر و کرامت انسانی می‌دهد. همچنین، استفاده از مجازات‌های جایگزین و پاسخ‌های ارفاقی مانند خدمات عمومی و اصلاح رفتار، هدف اصلی کاهش بازگشت به جرم و بازسازی شخصیت مجرمان است. این رویکرد بیشتر در جرایم جزئی یا شرایط خاص اعمال می‌شود.

۱- سیاست جنایی

سیاست جنایی ایران و انگلیس، هر دو از پاسخ‌های ارفاقی برای اصلاح مجرمان استفاده می‌کنند، اما تفاوت‌های اساسی در فلسفه آن‌ها وجود دارد. در ایران، سیاست جنایی بر مبنای اصول اسلامی و فقهی است و عدالت براساس شریعت و تقویت مجازات‌ها برای تربیت مجرمان تمرکز دارد، در حالی‌که پاسخ‌های ارفاقی تحت نظارت قوانین اسلامی قرار دارند. در انگلیس، سیاست جنایی مبتنی بر حقوق عرفی و حقوق بشر است و بیشتر بر بازگشت مجرمان به جامعه با استفاده از مجازات‌های جایگزین و حمایت‌های روان‌شناختی تأکید دارد. در نهایت، هر دو نظام به اصلاح مجرمان اهمیت می‌دهند اما رویکردها و مبانی آن‌ها متفاوت است (Mehra, 2007).

سیاست جنایی به مفهوم و تدبیر در مسائل جامعه جرم و تدوین استراتژی‌هایی برای مقابله با آن است که شامل سرکوبگرانه و پیشگیرانه می‌شود (Shieh, 2015). این مفهوم توسط اندیشمندان مطرح شده و در هر جامعه‌ای بسته به فرهنگ، تاریخ و ارزش‌های آن، تعریفی خاص دارد (Elham & Borhani, 2014). سیاست جنایی نه‌تنها یک فن برای پاسخ به مشکلات بزهکاری، بلکه به‌عنوان یک علم، به طراحی روش‌های عقلانی برای اجرای جرم و اصلاح مجلس می‌پردازد (Aghaeinia, 2013). این سیاست‌ها باید بر پایهٔ یافته‌های فلسفی، علمی و اجتماعی بنا شوند و اهدافی چون کاهش بزهکاری، ارتقای امنیت اجتماعی، از جرم و اصلاح مجرمان را دنبال کنند. به‌طور کلی، سیاست‌های جنایی سیستمی است که دولت‌ها از آن استفاده می‌کنند، واکنش‌های کیفری و کار پیشگیرانه را به‌کار می‌گیرند، تا با آن‌ها مقابله کنند و از آن‌ها خارج شوند (Heydari, 2015).

سیاست‌های جنایی واکنشی و نقد و بررسی آن در ایران و انگلستان

سیاست جنایی کنشی برخلاف سیاست جنایی واکنشی که به پیامدها و مجازات پس از ارتکاب جرم تمرکز دارد، به مجموعه تدابیری اشاره دارد که هدف اصلی آن‌ها پیشگیری از وقوع جرم و جرایم اجتماعی است. این سیاست به‌طور فعالانه درصدد شناسایی و اصلاح عوامل مؤثر بر جرم‌زایی است و شامل برنامه‌های مختلف می‌شود که به ایجاد محیطی سالم‌تر و کاهش انگیزه‌های ارتکاب جرم می‌پردازد. از جمله ویژگی‌های سیاست جنایی کنشی، تأکید بر آگاهی بخشی عمومی، توانمندسازی افراد و جوامع، و تقویت مکانیزم‌های حمایت اجتماعی است تا از این طریق بتوان از بروز بزهکاری پیشگیری نمود. این رویکرد، نه‌تنها بر کاهش نرخ جرم و جنایت تمرکز دارد، بلکه به بهبود کیفیت زندگی افراد و افزایش احساس امنیت در جامعه می‌انجامد (Mousavi & Ahmadi, 2018).

سیاست‌های جنایی، به‌ویژه در دو کشور ایران و انگلیس، ویژگی‌های متفاوتی دارند. در ایران، سیستم قضائی بیشتر تحت تأثیر اصول اسلامی و قوانین فقهی قرار دارد. به‌عنوان مثال، در سیاست‌های جنایی ایران، مجازات‌ها شامل کیفرهای شدیدتری مانند قصاص و حدود می‌شود. این مجازات‌ها تأکیدی بسیار بر انتقام‌جویی و اصلاح اجتماعی از طریق ترساندن دیگران دارند (Norouzi Firouz, 2011).

حقوق بشر و آزادی‌های فردی در سیاست‌های جنایی ایران ممکن است با برخی از چالش‌ها روبه‌رو شود. قوانین سخت‌گیر، جرم‌های مربوط به جرائم اخلاقی (مانند زنا و لواط)، بر حقوق شخصی افراد تأثیرگذار می‌گذارند. این سیاست‌ها در مواردی که مفاهیم اخلاقی و دینی به‌طور مستقیم به آن‌ها مربوط می‌شود، ممکن است به‌طور قابل توجهی با دیدگاه‌های جهانی در زمینه حقوق بشر مغایرت داشته باشد. به‌طور کلی، سیاست‌های جنایی ایران در برابر جرم‌های سنگین، تمایل زیادی به واکنش‌های خشونت‌آمیز دارند. مجازات‌هایی مانند اعدام یا ضربات شلاق در موارد مختلف،

بخشی از این سیاست‌ها با استانداردهای بین‌المللی حقوق بشر مغایرت دارند و می‌توانند موجب نقض حقوق فردی شوند و این سیاست‌های جنایی، فاقد انعطاف کافی برای تطبیق مجازات‌ها با شرایط فردی مجرمان و نوع جرم است (Khalili, 2017).

در انگلستان، سیاست‌های جنایی بیشتر براساس سیستم حقوقی کامن‌لا و حقوق بشر تنظیم شده است که به‌طور کلی، با تأکید بر اصول حقوق بشری و عدالت اجتماعی به دنبال تطبیق مجازات‌ها با میزان خطر و شدت جرم است. سیاست‌های جنایی تمایل بیشتری به کیفرزدایی دارند. بسیاری از جرایم می‌توانند با استفاده از جایگزین‌های کیفری جبران شوند. این امر به سیستم قضایی این کشور کمک می‌کند تا از زندانی کردن بیش از حد افراد اجتناب کند (Kadkhodaei & Mazloumi, 2021) و سیاست‌های جنایی معمولاً در چارچوب حقوق بشر و قوانین بین‌المللی تنظیم می‌شوند. اصول عدالت در محاکمه و حفظ حقوق فردی از جمله ویژگی‌های اساسی این سیاست‌ها هستند. بعد از تصویب کنوانسیون حقوق بشر اروپا، انگلستان به‌طور جدی به رعایت حقوق انسانی افراد در سیستم قضایی و اجرای مجازات‌ها توجه می‌کند که می‌تواند به‌طور مؤثر بین انواع مختلف جرایم و مجازات‌ها تمایز قائل شود. این سیستم معمولاً در موارد جرایم کوچک و کم‌خطر به سمت حکم‌های سبک‌تر و مجازات‌های جایگزین می‌رود، در حالی‌که برای جرایم سنگین‌تر و خطرناک‌تر، مجازات‌های سخت‌تری در نظر می‌گیرد و به شکل گسترده‌ای بر حقوق بشر تأکید دارد و با استفاده از جایگزین‌های کیفری و برنامه‌های بازپروری، از مجازات‌های شدید و آسیب‌رسان خودداری می‌کند. سیستم این کشور در پیشگیری از جرم و اصلاح مجرمان بسیار موفق عمل کرده است که در نتیجه، باعث بازگشت کمتر مجرمان به جرم شده است، سیستم قضایی انگلستان توانسته است در برابر انواع مختلف جرایم، مجازات‌هایی متناسب و مناسب اعمال کند. در برخی موارد، کیفرزدایی و استفاده از مجازات‌های جایگزین ممکن است نتواند اثرات پیشگیری‌کننده‌ای مانند مجازات‌های شدیدتر ایجاد کند. گاهی اوقات، استفاده از مجازات‌های ملایم‌تر برای جرایم خاص می‌تواند نگرانی‌هایی در مورد امنیت عمومی به همراه داشته باشد (Foroutan & Mousavi, 2019).

مبانی پیشگیرانه در سیاست جنایی

نهادهای ارفاقی در جرایم مستوجب تعزیر به‌کار گرفته می‌شوند و این جرایم به دو دسته منصوص شرعی و غیرمنصوص شرعی تقسیم می‌شوند که در بهره‌وری از نهادهای ارفاقی متفاوتند. طبق تبصره ۲ ماده ۱۱۵ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، محدودیت‌هایی برای استفاده از نهادهای ارفاقی در تعزیرات منصوص شرعی وجود دارد. اگر معیار قانونی باشد، مقام قضایی در نهاد ارفاقی محدود به مقررات قانونی است. این موضوع وحدت ملاک دارد با ماده ۷۳ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ درباره جایگزین حبس که در جرایم عمدی با بیش از یک سال حبس را محکوم می‌کند و در صورت مجازات کمتر از یک سال، دادگاه نمی‌تواند به مجازات حبس محکوم کند. قانون‌گذار در کشور ما در ضابطه قرار دادن هر یک از این مجازات‌ها نسبت به نهادهای ارفاقی موجود در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ به‌صورت یکسان عمل نکرده است و این عدم یکسانی در قانون‌گذاری، باعث اختلاف نظر میان حقوق‌دانان و رویه قضایی شده است. همچنین، برخی نهادها ویژگی‌های تخفیف عادی و برخی دیگر از تخفیف‌ها را ملاک قرار می‌دهند (Khaleghi & Mahmoudi, 2022).

از جمله ابزارهای سیاست جنایی پیشگیرانه متداول می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

پابند الکترونیکی، جایگزین‌های حبس مانند کارهای عام‌المنفعه و...، قانون کاهش، دادگاه‌های صلح.

مقایسهٔ رویکردهای پیشگیرانه در ایران و انگلستان

این دو سیستم با تفاوت‌های اساسی در فلسفه‌های اجرایی، فرهنگی و اجتماعی قابل مشاهده است که تأثیرات عمیقی بر میزان اثربخشی هر رویکرد دارند.

در ایران، سیاست‌های پیشگیرانه به‌طور عمده در چارچوب قانون‌گذاری اسلامی و اصول اجتماعی ناظر به رفتارهای فردی و جمعی قرار دارد. توجه به موضوعاتی چون مبارزه با فساد، کاهش بزهکاری و اجرای مجازات‌های سنگین‌تر (به‌خصوص در جرایم اخلاقی)، بیشتر از پیشگیری از وقوع جرم به‌صورت عینی در دستور کار قرار دارد و معمولاً شامل اعمال سخت‌گیری‌های قضائی، اجرای سیاست‌های کنترلی، و مداخلات گسترده در جامعه در قالب نظارت‌های انتظامی و قضائی است. عواملی چون آموزه‌های مذهبی و اعتقاد به عدالت از طریق مجازات‌های سنگین، بیشتر به کنترل رفتارهای بزهکارانه توجه دارند تا اصلاح و پیشگیری از وقوع جرم. به همین سبب، تدابیر پیشگیرانه در ایران اغلب از طریق سیاست‌های واکنشی و کمتر از طریق برنامه‌های اجتماعی و اصلاحی شکل می‌گیرند (Fyfe & Heinze, 2022).

در مقابل، انگلستان با تکیه بر فلسفه‌های حقوق بشری و مفاهیم عدالت اجتماعی، به‌طور گسترده‌تری به سیاست‌های پیشگیرانه پرداخته است که نه‌تنها بر کاهش جرم، بلکه بر اصلاح فرد و اجتماعی‌سازی مجرمان تمرکز دارد و رویکرد پیشگیرانه در این کشور عمدتاً شامل جایگزین‌های حبس، برنامه‌های حمایتی اجتماعی و آموزش عمومی است که هدف آن‌ها، جلوگیری از وقوع جرم از طریق تقویت پیوندهای اجتماعی و آگاهی‌بخشی عمومی است و سیستم قضائی و پلیس بیشتر به دنبال ایجاد محیطی امن و اصلاحی برای افراد هستند تا از طریق مجازات‌های سخت، که شاید نتایج معکوسی داشته باشد و به‌طور مؤثر از وقوع جرم جلوگیری کنند (Sprack, 2004).

تفاوت اصلی و فلسفی میان سیاست‌های جنایی پیشگیرانه ایران و انگلستان، در نوع نگاه به بحران و جرم است که در ایران، رویکرد پیشگیرانه بررسی شده و مبتنی بر سخت‌گیری‌های قضایی و اجتماعی است و در انگلستان رویکردی گسترده‌تر با تمرکز بر توانمندسازی فردی، آموزش و بازسازی اجتماعی مجرمان را به‌کار می‌گیرد و با بهره‌گیری از تجربه در زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی، در کاهش میزان بزه و جنایت موفق‌تر عمل نموده است. هر دو سیستم با چالش‌های خاص خود روبه‌رو هستند و نیاز به بازنگری در سیاست‌های اجرایی دارند و سیستم رهنمودی تعیین کیفر از اهمیت بالایی برخوردار است. این سیستم‌ها علاوه‌بر رویه قضایی، از اصول راهبردی و رهنمودهای نهاد تخصصی بهره می‌گیرند که در سال‌های ۱۹۹۰، بر نظام مجازات‌ها تأثیرگذار بوده و به تصویب قانون عدالت کیفری ۱۹۹۸ و داور تخصصی شورای کیفری تعیین شده می‌پردازد (Sprack, 2004).

هدف اصلی از ایجاد این رهنمودها، تعیین مجازات‌های هم‌راستا با اصول عدالت کیفری و متناسب با جرم و شرایط مرتکب آن است و در این فرایند، تلاش می‌شود تا از صدور مجازات‌های غیرمتناسب و ناعادلانه جلوگیری شود و نوعی یکسان‌سازی مجازات‌ها در شرایط مشابه حاصل گردد که به نحوی طراحی شده‌اند که قضات بتوانند با توجه به تفاوت‌های فردی و شرایط خاص هر پرونده، مجازات‌هایی را صادر کنند که هم از لحاظ حقوقی و هم از لحاظ کاربردی با اهداف عدالت کیفری هم‌خوانی داشته باشند و سعی دارند تا کیفرهای موجود در قوانین مدون را با آموزه‌های جدید کیفرشناسی هماهنگ کنند که این هماهنگی شامل توجه به نهادهای جایگزین مجازات، بررسی پرونده شخصیت و سوابق مرتکب جرم، و دلایل اجتماعی و فردی گرایش به جرم است. چنین رویکردی در تعیین مجازات، از یک‌سو به بهبود کارایی و اهداف مجازات‌ها و از سوی دیگر، به جلوگیری

از صدور مجازات‌های شدید یا ملایم‌تر از حد ضروری می‌انجامد (Sprack, 2004).

در این راستا، پس از تغییرات و اصلاحات متعدد در انگلستان و ولز، نهادهایی مانند شورای تعیین مجازات و هیأت مشورتی تعیین کیفر به‌عنوان نهادی مستقل با هویت خاص، نظارت مستقلی بر فرایند تعیین مجازات‌ها داشته و در جهت یکپارچه‌سازی نظام کیفری و تسهیل روند عدالت کیفری گام‌های مؤثری برداشته است که با استفاده از این نهادهای تخصصی، به‌عنوان یک الگوی موفق و سیستمی شفاف و کارآمد، برای دیگر کشورها در زمینه تنظیم و تدوین اصول راهبردی تعیین مجازات شناخته می‌شود (Eager, 2006).

۲- اهداف ارفاق در سیاست جنایی

روش‌های مختلف ارفاق به‌طور جایگزین یا پس از حبس استفاده می‌گردند تا مجرمان بدون گذراندن دوران طولانی در زندان، مجازات و اصلاح شوند (Hosseinzadeh & Rajabi, 2015)، مؤثر برای مجرمان غیرخطرناک (Momeni, 2023)، و به کاهش فشار بر زندان‌ها و هزینه‌های دولت کمک می‌کنند. هدف دیگر ارفاق افزایش بازپذیری اجتماعی مجرمان است تا پس از مجازات، فرصت بازگشت به جامعه و زندگی سالم را داشته باشند. زندان به‌طور معمول مجازات اصلاحی نیست و می‌تواند شرایط روانی و اجتماعی فرد را بدتر کند، برای کسانی‌که از محیط‌های آسیب‌دیده وارد جرم شده‌اند. در مقابل، ارفاق در قالب مجازات‌های جایگزین و آزادی مشروط، فرصت‌هایی برای نظارت و حمایت مجرمان در خارج از زندان فراهم می‌کند (Mahrokhzadeh, 2020). برنامه‌هایی مانند نظارت جامعه‌ای و پروژه‌های بازپروری اجتماعی در بسیاری از کشورها، به‌ویژه اروپای غربی و شمالی، به بازپذیری مجرمان کمک می‌کنند و به افزایش بازپذیری اجتماعی، به بازسازی مجرمان و جلوگیری از بازگشت به جرم یاری می‌رساند و سیستم قضایی را به اصلاح و بازگشت مجرمان به جامعه متمرکز می‌کند (Najafi Abrandabadi, 2024).

۳- نظریات حمایتی در جرم‌شناسی

به مجموعه‌ای از دیدگاه‌ها و رویکردها اطلاق می‌شود که هدف اصلی آن‌ها کاهش وقوع جرم و اصلاح رفتار مجرمان است، به‌جای تمرکز صرف بر مجازات و انتقام. این دیدگاه‌ها عمدتاً از مبانی انسان‌محور و حقوق بشری برخوردارند و بر این اساس استوارند که همه افراد، حتی مجرمان، دارای قابلیت تغییر و بازگشت به جامعه هستند. دو مفهوم کلیدی که در این حوزه مطرح هستند، بازپروری و اصلاح هستند.

بازپروری

از نظریات برجسته در جرم‌شناسی است که براساس آن، هدف اصلی از مواجهه با مجرمان باید کمک به بازسازی شخصیت و رفتار آنان باشد، نه صرف مجازات. این دیدگاه برخلاف مجازات‌های انتقامی که به‌منظور تنبیه مجرم انجام می‌شود، بر بازسازی مجرم و کاهش احتمال تکرار جرم تأکید دارد. بازپروری به‌خصوص در جوامع پیشرفته و مدرن کاربرد دارد و شامل برنامه‌هایی است که به‌منظور بهبود رفتار مجرمان در زندان‌ها یا به‌طور کلی در جامعه طراحی می‌شود (Akbari, 2018). هدف اصلی از بازپروری، تغییر نگرش‌های نادرست مجرم، بازسازی شخصیت و اصلاح رفتارهای ضد اجتماعی است که به اعضای مفیدتری از جامعه تبدیل شوند. این هدف از طریق آموزش‌های روان‌شناختی، مشاوره فردی و گروهی، و برنامه‌های توان‌بخشی حاصل می‌شود. بسیاری از سیستم‌های عدالت کیفری مدرن از برنامه‌های درمانی و مشاوره‌ای برای مجرمان استفاده می‌کنند که علی‌الخصوص در مورد کسانی‌که دارای اختلالات روانی یا سوءمصرف مواد مخدر هستند، مؤثر واقع می‌شود. به‌طور معمول بازپروری، یک فرایند مستمر است که پس از آزادی مجرم از زندان هم ادامه دارد و هدف آن این است که فرد به جامعه بازگردد و از

انجام جرم دوباره خودداری کند. همچنین، پیاده‌سازی برنامه‌های آن در مقیاس گسترده نیازمند منابع مالی و انسانی قابل توجهی است که در بسیاری از سیستم‌های قضایی، این امر به‌عنوان یک چالش مطرح است.

اصلاح

به معنای ایجاد تغییرات بنیادی در نظام کیفری و ساختارهای اجرایی است که به‌طور عمده هدف آن جلوگیری از وقوع جرم، اصلاح مجرمان و... است. به فرایندی اطلاق می‌شود که به‌منظور تغییر رفتار مجرمان و کاهش احتمال تکرار جرم به‌کار می‌رود. در سطح اجتماعی، اصلاح به معنای اصلاح قوانین، سیاست‌های جنایی، و زیرساخت‌های اجتماعی است که شرایطی را ایجاد کند که جرم به‌طور کلی کاهش یابد (Beccaria, 2006). برنامه‌های آموزشی و پیشگیری از جرم برای مجرمان و سایر اعضای جامعه (شامل آموزش‌های شغلی، روان‌شناختی و حتی آموزشی برای خانواده‌ها و جامعه) تدوین می‌شود تا از وقوع جرم جلوگیری کنند. این فرایند شامل اقدامات حمایتی نظیر برنامه‌های توانمندسازی و ادغام اجتماعی است. در بسیاری از جوامع، نگرش‌های فرهنگی و اجتماعی نسبت به مجرمان ممکن است مانع از پذیرش آنان در جامعه بعد از گذراندن مجازات‌ها شود. این مسئله می‌تواند مانع از فرایند اصلاح فردی و اجتماعی شود. اصلاح واقعی در نظام کیفری نیازمند تغییرات ساختاری در سیستم قضایی، دستگاه‌های قانونی و سیاست‌های جنایی است. این امر اغلب با مقاومت از جانب گروه‌های مختلف اجتماعی و سیاسی روبه‌رو می‌شود.

نظریات حمایتی جرم‌شناسی برخلاف دیدگاه‌های مجازات‌گرا، به مجازات‌ها به‌عنوان ابزار اصلی برخورد با جرم و مجرمان نگاه می‌کند (Javanmard & Saffari, 2010). این نظریه، بیشتر بر این باور استوار است که هر فردی با گذشت زمان و با داشتن حمایت‌های لازم می‌تواند رفتار خود را اصلاح کرده و به زندگی نیک بازگردد. در این زمینه، نظریات بازپروری به آموزش، مشاوره و روان درمانی به‌عنوان ابزارهای اصلی برای کاهش جرم و بازسازی مجرمین توجه دارند. در این میان، تأکید بر پیشگیری از وقوع جرم از طریق تغییر محیط‌های اجتماعی و خانوادگی، بهبود شرایط اقتصادی و ارتقاء آگاهی اجتماعی نیز از ارکان مهم این نظریات است.

نظریه اصلاح نیز بیشتر به تغییرات در سطح ساختاری و اجتماعی تأکید، و اصلاح قوانین و سیاست‌ها در نظام‌های قضایی که به‌طور عمده بر مجازات‌های سنتی و سخت‌گیرانه تکیه دارند که به‌عنوان یک بخش از رویکرد حمایتی محسوب می‌شود. در این راستا، قوانین باید تغییراتی به سمت استفاده از مجازات‌های جایگزین و بازگشت مجرمان به جامعه به‌طور سالم داشته باشند. این نوع اصلاح نه‌تنها به بهبود رفتار فردی مجرمان می‌انجامد، بلکه می‌تواند بر تغییر ساختار اجتماعی و کاهش جرم نیز تأثیر گذارد (Javanmard, 2015).

۴- پاسخ‌های ارفاق‌آمیز و مبانی حقوقی آن

به تدابیری اطلاق می‌شود که سیستم قضائی و مراجع قانونی به‌منظور کاهش شدت مجازات یا بهبود وضعیت مجرمان اتخاذ می‌کنند. هدف اصلی از این اقدامات، برخلاف مجازات‌های سخت‌گیرانه و رسمی، اصلاح و بازپروری مجرمان، کاهش آسیب‌های اجتماعی و ترویج عدالت ترمیمی است. در این نوع پاسخ‌ها، از شدت تنبیهاتی که به‌طور معمول در مواجهه با جرم اعمال می‌شود، کاسته شده تا به بزهکاران فرصت بهتری برای جبران خطاهایشان داده شود.

در چارچوب نظام عدالت کیفری این پاسخ‌ها، به معنای اعمال مجازات‌های جایگزین، کاهش مجازات یا تصمیم‌گیری‌های قضائی است که از دقت بیشتری در درک شرایط فردی مجرمان برخوردار است (Mosaddegh, 2020) که این پاسخ‌ها می‌توانند در مواردی همچون جوانی مجرم، وضعیت خانوادگی،

شرایط اجتماعی یا وضعیت خاص مجرم، و نوع جرم ارتکابی، اعمال شوند. در این راستا، نظام‌های حقوقی مختلف با توجه به سیاست‌های جنایی خود، مکانیسم‌های متفاوتی برای اعمال این پاسخ‌ها پیش‌بینی کرده‌اند (Mansouri Nalbandan, 2021).

در بسیاری از کشورها، چارچوب‌های قانونی و حقوقی به گونه‌ای طراحی شده‌اند که به سیستم عدالت کیفری اجازه می‌دهند تا از روش‌های ارفاق‌آمیز بهره گیرند. در این راستا، قوانین کیفری به دستگاه قضایی و نهادهای مرتبط انعطاف لازم را می‌دهند تا برای مرتکبان جرم، به‌ویژه به مجرمان کم‌خطر، راهکارهایی خارج از چارچوب زندان ارائه داده و نظارت لازم بر فرایند اصلاحی آنان را تضمین کنند و مبانی حقوقی حاکم بر این نوع پاسخ‌ها شامل تصریح به حقوق انسانی و کرامت ذاتی افراد نیز است که اهمیت زیادی به محافظت از حقوق و شرایط انسانی مجرمان می‌دهد.

در سطح بین‌المللی، در توصیه‌ها و قطعنامه‌های سازمان‌های بین‌المللی مانند سازمان ملل و شوراهای حقوق بشر نیز، مفاهیم پاسخ‌های ارفاق‌آمیز به وضوح دیده می‌شود. این سازمان‌ها بر اهمیت استفاده از مجازات‌های ارفاق‌آمیز تأکید دارند و دولت‌ها را ترغیب به اجرای این سیاست‌ها می‌کنند که نه‌تنها عدالت کیفری را تأمین کند، بلکه به اصلاح واقعی افراد و کاهش تکرار جرم نیز بپردازد. در این چارچوب، اصولی مانند تناسب مجازات با جرم، قابلیت اصلاح فرد و شرایط اجتماعی و اقتصادی به‌عنوان معیار مدنظر قرار می‌گیرند.

انواع پاسخ‌های ارفاق‌آمیز

تعلیق مجازات از رایج‌ترین و شناخته‌شده‌ترین پاسخ‌های ارفاق‌آمیز است. در این حالت، دادگاه اجرای مجازات را به تأخیر می‌اندازد، به این شرط که مجرم در یک دوره زمانی مشخص رفتار خود را اصلاح کند. اگر مجرم در این مدت به‌صورت مثبت عمل کند، ممکن است مجازات او به‌طور کامل معاف شود (Delmas-Marty, 2020).

تخفیف مجازات، دادگاه تصمیم می‌گیرد که مجازات مجرم را کاهش دهد. تخفیف مجازات می‌تواند به‌دلیل ویژگی‌های خاص جرم، شخصیت فردی مجرم، یا رفتار مثبت او در طول فرایند دادرسی (مانند پشیمانی، همکاری با پلیس، یا جبران ضرر به بزه‌دیده) اعمال شود. تخفیف مجازات اغلب در مواردی که مجرم اولین بار مرتکب جرم شده یا به‌صورت نسبی جرم کمتر بوده است، مشاهده می‌شود (Delmas-Marty, 2020).

محکومیت مشروط به معنای آزادی مجرم تحت شرایط خاص است. در این حالت، مجرم به‌جای گذراندن دوره زندان، در جامعه تحت نظارت قرار می‌گیرد. این نظارت می‌تواند شامل مراجعه به مشاور، شرکت در برنامه‌های بازپروری، انجام خدمات اجتماعی یا پرداخت غرامت به بزه‌دیده باشد. محکومیت مشروط معمولاً برای افرادی که خطر کمتری برای جامعه دارند یا احتمال بازگشت به جرم در آن‌ها پائین است، اعمال می‌شود (Mansourabadi, 2020).

آشتی و میانجی‌گری، به‌جای مجازات، بر روی فرایندهای ترمیمی و میانجی‌گری تأکید می‌شود، آشتی است. در این فرایند، بزهکار و بزه‌دیده به‌طور مستقیم با یکدیگر مواجه می‌شوند تا به توافقی برسند که برای هر دو طرف قابل قبول باشد. این روش می‌تواند شامل جبران خسارات وارده، عذرخواهی یا سایر اقدامات ترمیمی باشد. این نوع پاسخ‌های ارفاق‌آمیز بیشتر در جرایم کم‌خطر یا جرایم ارتکابی توسط افراد جوان یا بدون سابقهٔ کیفری به‌کار می‌رود (Shams Nateri, 2017).

حبس خانگی، به‌جای زندان، مجرم را در منزل خود به‌مدت معینی تحت نظارت قرار می‌دهد. در این حالت، فرد ممکن است از نظر جغرافیایی محدود شود و مجبور به نظارت بر وضعیت خود باشد. این نوع از پاسخ‌ها بیشتر در شرایطی به‌کار می‌رود که بزهکار نیاز به مراقبت‌های خاص یا درمان دارد و خطر قابل توجهی برای جامعه به‌وجود نمی‌آورد (Shams Nateri, 2017).

مراقبت و درمان، در برخی موارد، پاسخ‌های ارفاق‌آمیز به‌صورت برنامه‌های درمانی و بازپروری اعمال شود. هدف از این نوع پاسخ‌ها، درمان علل اصلی ارتکاب جرم (مانند اعتیاد یا اختلالات روانی) و فراهم کردن شرایط بهبودی و اصلاح مجرم است (Mosaddegh, 2020).

گذشت و بخشش از مفاهیم کلیدی انسانی و اجتماعی هستند که در فرهنگ‌ها و ادیان مختلف جایگاه والایی دارند. گذشت به معنای چشم‌پوشی از حق انتقام یا مجازات است، در حالی‌که بخشش شامل رهایی از خشم و کینه نیز می‌شود (Amid, 1980). این مفاهیم علاوه بر بعد فردی، تأثیرات مثبت روان‌شناختی مانند کاهش اضطراب و استرس دارند (Ardebili, 2017). در اسلام و مسیحیت، گذشت و بخشش به‌عنوان فضایل اخلاقی و راهی برای تقویت روابط انسانی معرفی شده‌اند (Gharoui, 2021). همچنین، در نظام عدالت ترمیمی، گذشت و بخشش می‌توانند شکاف میان بزهکار و بزه‌دیده را کاهش داده و زمینه جبران خسارت و بازسازی اعتماد را فراهم کنند (Gharoui, 2021). با این حال، بخشش فرایندی دشوار است که نیازمند مقابله با خشم و درد ناشی از آسیب است و نباید با فراموشی اشتباه گرفته شود. در نهایت، جوامعی که بخشش در آن‌ها نهادینه شده، از خشونت و دشمنی دورترند و افراد در آن‌ها سلامت روانی و روابط انسانی بهتری دارند (Sabzevarinejad, 2017).

عدول از پاسخ‌های ارفاق‌آمیز

اندیشه جایگزین کردن حبس با تدابیر دیگر را می‌توان در افکار و نظریات مکتب تحققی در سده نوزدهم یافت. بنیان‌گذاران این مکتب مانند لمبروزو، انریکو فری و رافائل گاروفالو، ضمن مخالفت با زندان، به جایگزینی سیاست‌های کیفری تأکید کردند و اصطلاح «جانشین‌های کیفری» را انریکو فری برای نخستین بار وارد حقوق کیفری کرد. مجازات‌های جایگزین مانند خدمات عمومی رایگان، جزای نقدی و دوره مراقبت از نیمه دوم قرن بیستم تحت تأثیر جنبش دفاع اجتماعی نوین و با تأکید بر حقوق بشر، به‌عنوان راهکارهای مؤثر مطرح شدند.

نظریه عدول از پاسخ‌های ارفاق‌آمیز به بررسی شرایطی می‌پردازد که در آن مجرمان از مزایای ارفاق محروم می‌شوند، به‌دلیل خطرات اجتماعی یا عدم تمایل به اصلاح، که در صورت وجود خطرات امنیتی یا اجتماعی، یا عدم تمایل به اصلاح، مجازات‌های سخت‌تر جایگزین شوند. این رویکرد می‌تواند موجب افزایش امنیت عمومی شود اما ممکن است باعث افزایش جمعیت زندان‌ها و فشار بر نظام قضایی گردد. همچنین، استفاده بیش از حد از مجازات‌های سخت‌گیرانه ممکن است بی‌اعتمادی به نظام عدالت کیفری را افزایش دهد و فرصت‌های بازپروری را کاهش دهد. در نهایت، تصمیم‌گیری در خصوص عدول از ارفاق باید براساس توازن دقیق بین امنیت جامعه و هزینه‌های اجتماعی و اقتصادی صورت گیرد (Aghaeinia, 2013; Halvey, 2014; Kamalifard, 2020; Mohammadi, 2021; Najafi Abrandabadi, 2024).

تحولات تاریخی پاسخ‌های ارفاقی در ایران و انگلستان

پاسخ‌های ارفاقی در سیاست جنایی ایران از مؤلفه‌های نظام عدالت کیفری است که تحولات قابل توجهی را ریشه در تغییر دیدگاه‌های ابعاد مختلف گذراند. در تاریخ حقوق کیفری ایران، نظام حقوقی همواره تحت تأثیر آموزه‌های فقه شیعه بوده که بر جنبه‌های اصلاحی و انسانی مجازات‌ها نیز تأکید کرده است. این آموزه‌ها، هرچند اصولی نظیر قصاص و حدود را به‌عنوان بخش‌های جدایی‌ناپذیر حقوق کیفری اسلامی به رسمیت می‌شناسند، منتها همزمان از مفاهیم عفو، گذشت و تخفیف برای اصلاح مجرمان و تلاش برای بازگرداندن آنان به جامعه حمایت می‌کنند که این امر در طول زمان در قوانین کیفری ایران نیز انعکاس یافته و زمینه‌ای برای ورود پاسخ‌های ارفاقی در نظام حقوقی کشور ایجاد کرده است و اولین گام‌های قانونی در راستای پیش‌بینی آن در ایران را می‌توان در قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ مشاهده کرد. این

قانون با الهام از قوانین کیفری اروپا و عمدتاً قانون جزای فرانسه، به حقوق کیفری ایران وارد شد و برای نخستین بار امکان تخفیف در مجازات‌ها و استفاده از ابزارهای اصلاحی را مورد توجه قرار داد. اما اعمال این پاسخ‌ها در عمل محدود بود به سبب نگرش به مجازات به‌عنوان ابزار بازدارندگی از طریق سخت‌گیری دیده می‌شد تا اصلاح و بازپروری.

برای مثال، از مهم‌ترین تحولات آن در ایران، با تصویب قانون مجازات اسلامی در سال ۱۳۶۱ بر مبنای اصول فقه شیعی (Hasani, 2021) و از اصلاحات مهم آن، می‌توان به سال‌های ۱۳۷۰ و ۱۳۹۲ به‌عنوان نقطه عطفی در توسعه پاسخ‌های ارفاقی اشاره نمود (Dalir & Kahzadi, 2018). به‌جز تحولات قوانین کیفری، رویه قضائی نیز نقش مهمی داشته است (Rasouli Zakaria, 2020).

البته لازم به ذکر است که این تحولات مانند مسئولیت مطلق به‌عنوان امری حادث و نسبتاً جدید که در پی تهدیدات روزافزون و خطرات بالقوهٔ ناشی از به‌کارگیری محصولات و مصنوعات جدید صنعتی پدید آمد و در سال‌های اخیر بسیاری از کشورها در راستای حمایت از منافع و مصالح عمومی نسبت به تصویب جرائم با مسئولیت مطلق تمایل بیشتری نشان داده‌اند و قانون‌گذار ما علی‌رغم واقفیت به ضرورت این جرم‌انگاری، در ماده‌ای پر از ابهام از قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و بدون همسویی با جریان‌های حقوقی معاصر، مسئولیت کیفری ناشی از فعل غیر را بر فرض تقصیر استوار ساخت (Shams Nateri, 2026)؛ در تحولات پاسخ‌های ارفاقی نیز مانند مسئولیت مطلق، با اصلاحات محدود اما نسبتاً خوبی روبه‌رو شد، ولکن انتظار می‌رود که قانون‌گذار به هر دو موضع و مبحث به‌صورت عمیق‌تر و کاربردی‌تری بپردازد.

در انگلستان، فردی کردن تعقیب به دستگاه قضایی اجازه می‌دهد تا برخی از مجرمان بی‌سابقه را تعقیب نکند. استدلال این است که همان تماس اولیه با دادسرا ممکن است برای برخی متهمان کافی باشد تا متنبه شوند.

مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی نیز به‌عنوان موضوعی نوظهور و بحث برانگیز است. برخلاف آن، مسئولیت مدنی این اشخاص مسبوق به سابقه است. مخالفان آن، معتقدند که اجرای مجازات‌هایی مانند اعدام، حبس و تبعید بر اشخاص حقوقی امکان‌پذیر نیست و این با اصل شخصی بودن مجازات و اهلیت اشخاص حقوقی برای تقصیر ناسازگار است. در مقابل، موافقان مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی اعتقاد دارند که می‌توان از ضمانت اجراهایی مانند جریمه نقدی، انحلال، و تعطیلی موقت برای آن‌ها بهره برد (Fyfe & Heinze, 2022).

تحول در سیستم‌های عدالت کیفری نشان دهنده تغییر اساسی در جرم و مجازات و حرکت به‌سوی عدالت ترمیمی است، و پاسخ‌های ارفاقی در سیستم قضائی انگلستان، از قرن نوزدهم تا امروز، با اصلاح و بازپروری مجرمان، تحولات قابل توجهی داشته‌اند که قانون‌ها در این زمینه به سال ۱۸۹۸ برمی‌گردند (Wasik & Taylor, 1971) و به‌عنوان مثال، در قرن بیستم با قوانین مهمی مانند قانون نوجوانان ۱۹۶۳ آغاز شد که امکان نظارت و اعمال مجازات‌های جایگزین خدمات عمومی به همراه داشت (Gazal-Ayal & Riza, 2009).

رهنمودهای صادره، که توسط افرادی با تخصص در امور قضایی و مراقبتی طراحی شده‌اند، استراتژی کلی سیاست تعیین مجازات را برنامه‌ریزی می‌کنند که همراه با آرای دادگاه‌های استیناف، در تحقق اهدافی مانند ارعاب، ناتوان‌سازی، جبران خسارت و اصلاح مجرمان نقش کلیدی دارند. همچنین، در تعیین مجازات، تهیهٔ گزارش وضعیت جرم ارتکابی و شرایط محیطی آن، شامل تحلیل وضعیت قربانی جرم، ضروری است. این گزارش، که براساس مواد قانونی خاصی تهیه می‌شود، می‌تواند ابزار مهمی برای دادگاه‌ها در تعیین یک مجازات مناسب و منصفانه باشد و با توسعهٔ ابعاد

مختلف بشر، مجازات کیفری را به‌صورت انسانی‌تر و کمتر سرکوب شده ملاحظه می‌شود (Najafi Abrandabadi, 2024).

۵- مبانی نظری واکنش کیفری سخت‌گیرانه

واکنش کیفری سخت‌گیرانه مجموعه‌ای از تصمیم‌گیری و سیاست‌های کیفری است که با هدف کنترل در جامعه به‌کار می‌رود و در پاسخ، سه اصل سیاست جنایی مطرح شده است: جرم‌زدایی، کیفرزدایی و پاسخ‌های بینابین که به‌عنوان پاسخ به واکنش‌های سخت‌گیرانه کاربرد دارند (Saki, 2014).

جرم‌زدایی

به معنای حذف یا کاهش برخی رفتارهایی است که قبلاً جرم محسوب شده، اما با تغییر نگرش‌های اجتماعی یا فرهنگی دیگر به‌عنوان جرم تلقی نمی‌شوند. این معمولاً برای رفتارهای کم‌خطر و با پیامدهای اجتماعی به‌کار می‌رود (Mahmoudi Janki, 2008). به‌طور کلی، جرم‌زدایی با نظریات جامعه‌شناسی جرم و کنترل اجتماعی مرتبط است و بر این باور است که جرم‌ها براساس توافقات و ساختارهای اجتماعی است. همچنین، فیلسوفانی مانند جان استوارت میل معتقدند اگر رفتاری، آسیب جدی اجتماعی نداشته باشد، نباید جرم تلقی شود (Zeraat, 2014).

مزایای جرم‌زدایی: کاهش فشار بر سیستم قضائی و کاهش تعداد زندانیان، کاهش هزینه‌های اقتصادی و اجتماعی ناشی از کنترل جرم، تأکید بیشتر بر پیشگیری و اصلاح رفتارهای اجتماعی به‌جای مجازات، کاهش فشار اجتماعی برای ارتکاب به جرایم غیرضروری.

چالش‌ها و انتقادات جرم‌زدایی: احتمال افزایش برخی رفتارهای غیرمسئولانه یا آسیب‌زا در جامعه، دشواری در تعیین مرز دقیق آنچه که باید و آنچه که نباید جرم باشد، خطر نادیده گرفتن پیامدهای اجتماعی و فرهنگی جرم‌های کوچک و بی‌اهمیت.

کیفرزدایی

به فرایندی اطلاق می‌شود که در آن تلاش می‌شود مجازات‌ها از سیستم حقوقی حذف شوند یا شدت آن‌ها کاهش یابد. این فرایند معمولاً در جهت کاهش تنبیهات سخت‌گیرانه و جایگزینی آن‌ها با مجازات‌های ملایم‌تر یا حتی مجازات‌های غیرکیفری است.

کیفرزدایی از نظریه‌های نقد مجازات‌گرایی ناشی می‌شود که بر این باورند که مجازات‌های شدید یا زندانی کردن افراد نه‌تنها اغلب به اصلاح مجرمان نمی‌انجامد، بلکه موجب بازتولید رفتارهای بزهکارانه در آینده می‌شود. طبق این دیدگاه، سیستم عدالت کیفری باید از مجازات‌های سخت‌گیرانه به سمت شیوه‌های بازپرورانه‌تر حرکت کند.

پایه‌های نظری کیفرزدایی ارتباط مستقیمی با نظریه‌های بازپروری و عدالت ترمیمی دارد. این رویکرد تأکید بر این دارد که هدف از عدالت باید بازسازی و اصلاح فرد مجرم و بهبود روابط اجتماعی باشد، نه صرفاً مجازات و انتقام‌گیری از جرم. در این سیستم، بیشتر بر درمان مشکلات اجتماعی، روان‌شناختی یا اقتصادی که منجر به جرم شده است، تمرکز می‌شود (Gholami, 2016).

مزایای کیفرزدایی: کاهش تعداد زندانیان و کمک به کاهش مشکلات مربوط به زندان‌ها، ایجاد شرایط بهتری برای بازپروری و اصلاح رفتار مجرمان، کاهش هزینه‌های اقتصادی ناشی از سیستم قضائی و کیفری، رویکرد انسانی‌تر در برخورد با افراد مجرم.

لازم به ذکر است که دشواری در تعیین میزان مناسب مجازات‌های غیرکیفری و رعایت اصول عدالت از چالش‌های کیفرزدایی است (Gholami & Bagheri, 2022).

پاسخ‌های بینابین

به مواردی گفته می‌شود که بین سیاست‌های کیفرزدایی و سخت‌گیری کیفری قرار می‌گیرند و تلاش می‌کنند با استفاده از مجازات‌های جایگزین یا پاسخ‌های کمتر مانند حکم مشروط، کار اجباری، پذیرش تحت نظارت و خدمات اجتماعی، از خشونت

جلوگیری و برای مجرمان فضای بازپروری را فراهم کنند. این امکانات از ترکیب نظریات کیفرزدایی و کنترل اجتماعی نشأت می‌گیرند و هدفشان طراحی سیاست‌های کیفری منعطف و متناسب با نوع جرم و وضعیت مجرم است تا در رابطه با امنیت اجتماعی و حقوق فردی مناسب‌ترین واکنش ممکن انتخاب شود (Fletcher, 2022).

مزایای پاسخ‌های بینابین: کاهش فشارهای اجتماعی ناشی از واکنش‌های کیفری شدید، امکان تطبیق مجازات‌ها با شرایط فردی مجرمان، استفاده از ابزارهای متنوع برای پیشگیری از جرم مجدد، ایجاد فضایی برای بازپروری و بازسازی روابط اجتماعی.

چالش‌ها و انتقادات پاسخ‌های بینابین: پیچیدگی در تعیین دقیق سیاست‌های بینابین و چگونگی اجرای آن، خطر عدم اطمینان به شیوه‌های متنوع در اجرای این سیاست‌ها، امکان بروز مشکلات در هماهنگی میان نهادهای قضائی، انتظامی و اجتماعی (Khaksar, 2016).

نتیجه‌گیری

سیاست‌های جنایی در ایران و انگلستان دارای ویژگی‌های منحصربه‌فرد خود هستند که تحت تأثیر اصول و ابعاد مختلف هر کشور قرار دارند. ایران بیشتر به سیستم قضائی مبتنی بر قوانین اسلامی و مجازات‌های سخت‌گیرانه وابسته است، در حالی‌که انگلستان به‌طور گسترده‌تری از رویکردهای انسانی و اصلاحی استفاده می‌کند که هریک از این رویکردها دارای نقاط قوت و ضعف خاص، و بسته به شرایط اجتماعی و نیازهای مختلف، می‌توانند در جهت بهبود عدالت کیفری و کاهش جرایم کاربرد داشته باشند و به‌طور کلی، می‌توان از اخلاق حسنهٔ شریعت (همچون عفو) و رهنمودهای انگلستان به‌عنوان الگو و ابزار مناسب جهت باز اجتماعی‌پذیری استفاده نمود تا اصلاح جامعه در قالب حفظ کرامت انسانی صورت پذیرفته و تولدی دوباره برای مجرمین حاصل گردد.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافعی وجود ندارد.

EXTENDED ABSTRACT

Criminal policy is a multidisciplinary field concerned with the formulation and implementation of rational, preventive, and repressive responses to crime on the basis of philosophical, legal, criminological, social, and historical knowledge. Contemporary criminal policy is no longer confined to punitive intervention after an offense has occurred; rather, it encompasses a broad spectrum of governmental and societal measures aimed at crime prevention, victim protection, offender rehabilitation, social reintegration, and the restoration of harm caused by crime (Delmas-Marty, 2020; Najafi Abrandabadi, 2024). Within this evolution, the philosophy of punishment has undergone a substantial transformation from predominantly retributive and deterrent orientations toward approaches emphasizing proportionality, individualization, rehabilitation, restorative justice, and respect for human dignity (Bahramand, 2017; Najafi Abrandabadi, 2022). Lenient responses and institutions of penal mitigation constitute important manifestations of this transformation because they enable criminal justice systems to adjust punishment to the circumstances of the offense, the characteristics of the offender, and the broader social objectives of criminal intervention. Such responses include suspension of punishment, postponement of sentencing, conditional release, alternatives to imprisonment, electronic monitoring, mitigation of punishment, reconciliation, mediation, and rehabilitative or treatment-

oriented measures. Their growing significance reflects the recognition that severe punishment, particularly imprisonment, does not necessarily produce effective rehabilitation and may instead intensify social exclusion, prison overcrowding, recidivism, and the economic and social costs of penal intervention (Bahmanabadi, 2021; Gholami, 2016). Accordingly, the present study examines the functions of punishments and lenient responses from the perspective of criminal policy in Iranian and English law, with particular emphasis on the legal, criminological, and policy foundations underlying their development and implementation.

The study adopts a descriptive-analytical method and is based on library and documentary research. Relevant legal materials, scholarly books, journal articles, legislative developments, and academic discussions concerning criminal policy, punishment, leniency institutions, restorative justice, alternatives to imprisonment, sentencing, and offender rehabilitation in Iran and England were reviewed and comparatively analyzed. The theoretical framework is grounded in the historical evolution of criminal policy from punitive and repressive models toward preventive, participatory, restorative, and rehabilitation-oriented approaches. In Iranian criminal law, this development has been influenced by both Islamic jurisprudential principles and modern criminological and penal theories. The Islamic Penal Code and subsequent reforms have gradually expanded the role of individualized sentencing and leniency institutions, particularly in relation to discretionary punishments, although the scope and application of such institutions remain subject to statutory restrictions and interpretive inconsistencies (Hasani, 2021; Khaleghi & Mahmoudi, 2022). The 2020 Law on Reduction of Ta'zir Imprisonment Punishments represented an important step in extending the practical relevance of mitigation, alternatives to imprisonment, and mechanisms designed to reduce reliance on custodial sanctions (Mansouri Nalbandan, 2021; Mosaddegh, 2020). In England, by contrast, the development of sentencing policy has occurred within the common-law tradition and has increasingly incorporated structured sentencing principles, community sanctions, proportionality, rehabilitation, and judicial discretion guided by specialized sentencing institutions and legal standards (Eager, 2006; Sprack, 2004). The comparative method employed in this study therefore seeks to clarify both convergences and differences between the two systems in their movement toward more flexible and rehabilitative responses to crime.

The findings indicate that lenient responses perform several interrelated functions within contemporary criminal policy. First, they facilitate the individualization of punishment by enabling judges to consider the offender's personality, criminal history, social circumstances, degree of culpability, prospects of rehabilitation, and the severity of the offense rather than relying exclusively on fixed or severe sanctions (Gholami & Bagheri, 2022; Rostami, 2023). Second, such responses can contribute to reducing the prison population and mitigating the institutional, financial, psychological, and social consequences associated with excessive incarceration (Bahmanabadi, 2021; Kamalifard, 2020). Third, leniency mechanisms serve rehabilitative and reintegrative purposes by maintaining offenders' social and family ties, facilitating treatment and supervision in the community, and reducing the stigmatizing effects associated with imprisonment. Fourth, restorative responses such as mediation, reconciliation, compensation, and victim-offender dialogue provide a mechanism through which the interests of victims can be

recognized while simultaneously promoting offender accountability and social repair (Rahimi, 2023). Fifth, these measures reflect the principle that imprisonment and other severe punishments should operate as measures of last resort where less restrictive interventions can adequately achieve the objectives of prevention, rehabilitation, and public protection (Najafi Abrandabadi, 2022). In Iranian law, however, the operation of leniency institutions remains affected by the classification of offenses, statutory limitations, judicial interpretation, and tensions between punitive traditions and modern rehabilitative policies. In English law, greater institutionalization of sentencing guidance and community-based sanctions has facilitated a more systematic implementation of proportional and differentiated responses, although concerns regarding public safety and the preventive effectiveness of less severe sanctions remain relevant (Foroutan & Mousavi, 2019; Kadkhodaei & Mazloumi, 2021). The comparative analysis further demonstrates that preventive criminal policy constitutes an essential foundation for lenient responses in both legal systems, although its philosophical and institutional expression differs significantly. In Iran, preventive policies continue to operate within a framework strongly influenced by Islamic legal principles, state-centered regulation, judicial control, and, in certain categories of offenses, relatively severe punitive responses. Nevertheless, modern Iranian criminal policy has increasingly recognized proactive prevention, rehabilitation, alternatives to imprisonment, and noncustodial mechanisms as necessary instruments for controlling crime and reducing the adverse effects of incarceration (Khaksar, 2016; Mousavi & Ahmadi, 2018). In England, preventive policy has developed more extensively through community sanctions, rehabilitative interventions, social support, sentencing guidelines, offender supervision, and measures designed to reduce reoffending while protecting individual rights. The English system's sentencing framework attempts to reconcile deterrence, incapacitation, reparation, rehabilitation, and proportionality, while specialized sentencing guidance promotes greater consistency and transparency in judicial decision-making (Eager, 2006; Fletcher, 2022). The findings also reveal that both systems confront a fundamental policy dilemma: excessive reliance on punitive sanctions may undermine rehabilitation and generate social costs, whereas excessive leniency may create concerns regarding deterrence, equality, public confidence, and community safety. Therefore, effective criminal policy requires a balanced model in which lenient responses are not understood as the abandonment of punishment but as differentiated mechanisms designed to achieve penal objectives through less harmful and more socially constructive means. This approach is particularly consistent with modern theories of rehabilitation, restorative justice, depenalization, and intermediate sanctions (Gholami, 2016; Mahmoudi Janki, 2008).

The historical development of lenient responses in Iran and England also demonstrates a gradual movement away from punishment conceived exclusively as retribution. In Iran, early developments can be traced to the incorporation of mitigation mechanisms into modern criminal legislation and were later reshaped by the establishment of the Islamic legal system and the adoption and amendment of the Islamic Penal Code. Subsequent reforms expanded the availability of institutions such as suspension, conditional release, alternative sanctions, and reduced imprisonment, although their application has remained uneven and subject to doctrinal and judicial debate (Dalir & Kahzadi, 2018; Rasouli Zakaria, 2020). Recent Iranian scholarship has

increasingly emphasized dignity-oriented punishment, offender rehabilitation, and the need to avoid excessive penalization while preserving the normative foundations of the legal system (Najafi Abrandabadi, 2022; Rostami, 2023). In England, lenient and noncustodial responses developed through probation, community sanctions, sentencing reforms, prosecutorial discretion, and institutionalized sentencing guidance. The English model illustrates a more gradual evolution within the common-law tradition, allowing courts and policymakers to combine proportional punishment with individualized assessment and rehabilitation (Fyfe & Heinze, 2022; Mehra, 2007). Both systems therefore demonstrate an increasing acceptance of the proposition that the effectiveness of punishment should not be measured solely by severity. Rather, punishment should be evaluated in relation to its ability to prevent reoffending, protect society, repair harm, recognize victims' interests, preserve human dignity, and facilitate the offender's return to lawful social life. This convergence is particularly visible in the expanding use of intermediate sanctions and alternatives to incarceration, which provide a policy space between complete nonintervention and severe custodial punishment (Fletcher, 2022; Hosseinzadeh & Rajabi, 2015).

In conclusion, the comparative examination of Iranian and English criminal policy demonstrates that lenient responses have become increasingly important instruments for achieving a more proportionate, rehabilitative, participatory, and socially responsive model of criminal justice. Although the two systems are founded on different legal traditions and normative structures, both have gradually moved toward limiting unnecessary incarceration, individualizing punishment, strengthening rehabilitative interventions, and employing alternatives capable of reducing the social and economic harms associated with severe penal sanctions. The Iranian system retains a stronger connection to Islamic jurisprudential principles and statutory classifications of punishment, while the English system relies more extensively on common-law development, sentencing guidance, community sanctions, and rights-oriented legal standards. Nevertheless, the two systems share the fundamental challenge of balancing public security with human dignity, deterrence with rehabilitation, and proportional punishment with opportunities for reintegration. Lenient institutions should therefore not be regarded as signs of weakness in criminal justice, but as carefully regulated mechanisms through which punishment can be made more effective, individualized, and consistent with contemporary criminological knowledge. Their successful application requires coherent legislation, transparent judicial criteria, institutional supervision, assessment of offender risk and needs, appropriate protection of victims, and continuous evaluation of outcomes. A balanced criminal policy capable of combining the ethical potential of forgiveness and rehabilitation with structured sentencing principles and community-based sanctions can contribute to reducing recidivism, controlling prison populations, improving the quality of criminal justice, and promoting the successful social reintegration of offenders while preserving public confidence and social order.

References

Aghaeinia, H. (2013). *Crimes against Persons* (6th ed.). Mizan Publishing.

Akbari, M. (2018). *Grading of Ta'zir Punishments in the 2013 Islamic Penal Code*. Citizenship Rights Publications.

Amid, H. (1980). *Amid Persian Dictionary*. Sina Publications.

Ardebili, M. A. (2017). *General Criminal Law*. Mizan Publishing.

Azimzadeh Ardebili, S., & Sheikh Eslami, G. (2024). *Memory Aid: Essentials of Criminology*. Dourandishan Publications.

Bahmanabadi, A. (2021). *The Role of Alternatives to Imprisonment in Reducing the Prison Population: In Accordance with the 2013 Islamic Penal Code and the 2020 Law on Reduction of Ta'zir Imprisonment Punishments*. Khatoon Publications.

Bahramand, A. A. (2017). Developments in the Philosophy of Punishment and the Role of Leniency Institutions in the Criminal Systems of Iran and England. *Quarterly Journal of Legal Research*.

Beccaria, C. (2006). *On Crimes and Punishments* (5th ed.). Mizan Publishing.

Dalir, H., & Kahzadi, M. (2018). *Mitigation and Aggravation of Punishment in Iranian Law*. Mizan Publishing.

Delmas-Marty, M. (2020). *Major Systems of Criminal Policy* (1st ed.). Mizan Publishing.

Eager, T. (2006). *A Guide to Sentencing in England & Wales*. Criminal Law Press.

Elham, G., & Borhani, M. (2014). *An Introduction to General Criminal Law*. Mizan Publishing.

Fletcher, G. P. (2022). *Basic Concepts of Criminal Law*. Razavi University of Islamic Sciences Press.

Foroutan, M., & Mousavi, S. I. (2019). Criminal Policy of Iran, the Netherlands, and England toward Drug Offenses. *Afaq of Humanities*.

Fyfe, S., & Heinze, A. (2022). Prosecutorial Discretion. In *Core Concepts in Criminal Law & Criminal Justice*. Cambridge University Press.

Gazal-Ayal, O., & Riza, L. (2009). *Plea Bargaining & Prosecution* (European Association of Law & Economics Working Paper, Issue.

Gharoui, S. M. B. (2021). *Punishments and Leniency Institutions in Iranian and French Law*. Jangal Publications.

Gholami, H. (2016). *Prison Overcrowding* (1st ed.). Mizan Publishing.

Gholami, H., & Bagheri, N. (2022). Application of Sentencing Guideline Principles in the 2013 Islamic Penal Code and Their Challenges in Judicial Practice. *Journal of Legal Research*, *21*(52).

Halvey, G. (2014). *Modern Sentencing Doctrines*. Dadgostar Publishing.

Hasani, S. J. (2021). *Iranian and French Criminal Policy on Mitigation of Punishment and Its Effect on Offender Rehabilitation with an Approach to the 2020 Law on Reduction of Ta'zir Imprisonment Punishments*. Norouzi Publications.

Heydari, A. M. (2015). *General Criminal Law*. SAMT Publications.

Hosseinzadeh, M. J., & Rajabi, M. (2015). *Grading of Punishments and Leniency Institutions under the 2013 Islamic Penal Code*. Ava Publications.

Javanmard, B. (2015). *Criminal Procedure* (2nd ed.). Javidaneh Publications.

Javanmard, B., & Saffari, A. (2010). *Zero Tolerance: A Strict Criminal Policy toward Minor Offenses*. Mizan Publishing.

Kadkhodaei, A., & Mazloumi, M. (2021). A Comparative Study of the Performance of the Governments of England, the United States, and France in the Dialectic of Security and Freedom in Combating Terrorism. *Modares University Comparative Law Quarterly*.

Kamalifard, I. (2020). *The Role and Impact of Establishing Leniency Institutions in Reducing Imprisonment Statistics* 7th National Conference on Modern Studies and Research in the Humanities, Management and Entrepreneurship in Iran,

Khaksar, D. (2016). *Legislative and Judicial Pathology of Alternatives to Imprisonment*. University of Tehran Press.

Khaleghi, A., & Mahmoudi, A. (2022). Analysis of Legislative Criminal Policy Concerning Leniency Institutions Governing Sentencing. *Scientific Journal of Jurisprudence and Criminal Law*, *7*(24).

Khalili, R. (2017). *Iranian Criminal Policy toward Drug Use and Consumption*. Varesh Va.

Mahmoudi Janki, F. (2008). Decriminalization as a Change. *Private Law Studies*.

Mahrokhzadeh, J. (2020). *A New Approach to Leniency Institutions in the 2013 Islamic Penal Code* 5th International Conference on Legal and Judicial Studies,

Mansourabadi, A. (2020). *General Criminal Law* (Vol. 3). Mizan Publishing.

Mansouri Nalbandan, J. (2021). *Review of Developments in Imprisonment Punishment under the 2020 Law on Reduction of Ta'zir Imprisonment Punishments*. Ghalam Mehr Publications.

Mehra, N. (2007). Punishment and Its Determination in the English Criminal Process: With Emphasis on the Functions of Punishment. *Quarterly Journal of Legal Research*.

Mohammadi, J. (2021). *Examining Leniency Institutions in Iranian Criminal Law Based on the Law on Reduction of Ta'zir Imprisonment* 3rd International Conference on the Development and Promotion of Humanities and Management in Society,

Momeni, S. M. (2023). *Kast-e Mokafat: Commentary on the Law on Reduction of Ta'zir Imprisonment Punishments*. Dadbakhsh Publications.

Mosaddegh, M. (2020). *Commentary on the Law on Reduction of Ta'zir Imprisonment Punishments* (1st ed.). Jangal Publications.

Mousavi, A., & Ahmadi, M. (2018). Proactive Criminal Policy: Specialized Prevention in Criminal Justice. *Criminal Law Studies*.

Najafi Abrandabadi, A. H. (2022). Dignity-Oriented Penalization in the Democratic Model of Criminal Policy. *Criminal Law Research Journal*.

Najafi Abrandabadi, A. H. (2024). *New Developments in Criminal Sciences: Collected Articles* (3rd ed.). Mizan Publishing.

Norouzi Firouz, R. (2011). *General Criminal Law* (1st ed.). Mizan Publishing.

Rahimi, H. (2023). Restorative Justice in the Criminal System. https://civilica.com/note/932/

Rasouli Zakaria, A. (2020). *Commentary on the Law on Reduction of Ta'zir Imprisonment Punishments*. Dadsetan, Ketab Ava Publications.

Rostami, H. (2023). Evaluation of Leniency Institutions in Iranian Criminal Policy: With Emphasis on Excessive Expansion and Ineffectiveness. *Quarterly Journal of Criminal Law Doctrines*.

Sabzevarinejad, H. (2017). The Position of the Principle of Proportionality between Crime and Punishment in Iranian and English Criminal Law. *Biannual Journal of Judicial Legal Perspectives*(77-78).

Saki, M. (2014). *Punishments and Security and Corrective Measures*. Jangal Javidaneh Publications.

Shams Nateri, M. E. (2017). *The Islamic Penal Code in the Current Legal Order*. Mizan Publishing.

Shams Nateri, M. E. (2026). Assessing the Possibility of Accepting Strict Liability Offenses in Iranian Criminal Policy: With Reference to English and Egyptian Law. *Criminal Law Doctrines of Islamic Countries*.

Shieh, A. (2015). The Position of Reactive Participatory Criminal Policy at the Prosecution Stage in Iranian Law. *Journal of Criminal Law and Criminology Studies*, *2*(4-5).

Sprack, J. (2004). *A Practical Approach to Criminal Procedure* (10th ed.). Oxford University Press.

Wasik, M., & Taylor, R. D. (1971). *Blackstone's Guide to the Criminal*.

Zeraat, A. (2014). *Brief Commentary on the Islamic Penal Code* (1st ed.). Qoqnoos Publications.